

دوفصل نامه‌ی علمی - تخصصی پرتو خرد

سال چهاردهم، شماره ۲۵،

بهار و تابستان ۱۴۰۲

صص ۱۱۳-۱۳۱

بررسی تحلیلی مفهوم جهاد در اندیشه غلام‌احمد قادیانی

احمدعلی واحدی‌زاده *

چکیده

قادیانیه فرقه‌ی منسوب به اسلام است، ولی عالمان مسلمان، جریان فوق را منحرف از اسلام می‌دانند؛ زیرا بعضی از باورهای آن، مانند الغای جهاد بالسیف مخالف قرآن و سنت است. در پژوهش حاضر تلاش شده است مفهوم جهاد بالسیف از منظر غلام‌احمد قادیانی به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی گردد. قادیانی نخست خود را مجدد قرن چهاردهم خواند، سپس ادعا کرد که تجلی حضرت مسیح و مهدی موعود مسلمانان است و در نهایت، وی پا را از این فراتر گذاشت، خود را پیامبر خواند و جهاد بالسیف را عمل غیر دینی و مخالف اخلاق در دنیای امروز شمرد. در نگاه او، اوضاع عصر حاضر با وضعیت صدر اسلام از هر لحاظ متفاوت بوده و اکنون جنگ، جنگ قلم است، نه عصر جهاد با شمشیر؛ به این دلیل که: نخست این که در عصر حاضر کافران غالب‌اند و دیگری، اکنون کسی مسلمانان را از برپایی نماز، روزه، نماز جمعه و جماعات منع نمی‌کند. گفتنی است با وجود توجیه سخنان غلام‌احمد از سوی بزرگان قادیانیه، سخنان وی، مخالف آیات و روایات بوده، جهاد با عناوین زیر در همه‌ی اعصار و امصار واجب است: جهاد آزادی‌بخش، جهاد دفاعی، جهاد برای حمایت از مظلومان، جهاد برای محو شرک و بت‌پرستی.

کلید واژگان: جهاد بالسیف، الغای جهاد، مشروعیت جهاد، قادیانی، قادیانیه.

مقدمه

قادیانی‌به فرقه‌ای اطلاق می‌شود که حدود صد سال پیش میرزا غلام احمد قادیانی آن را در شبه‌قاره (هند) بنیان گذاشت. میرزا غلام احمد، فرزند میرزا غلام مرتضی در سال (۱۸۳۹م) در روستای قادیان^۱ چشم به جهان گشود. وی از ابتدا به مطالعات اسلامی علاقه‌مند و اهل ریاضت بود. پدر وی طیب ماهری بود و با حکومت انگلستان رابطه‌ی حسنه داشت. در قیام عمومی مردم هند به سال (۱۸۵۷م) که در آن، پیروان ادیان دیگر نیز در کنار مسلمانان بر ضد استعمارگران انگلیسی مشارکت داشتند، پدر غلام احمد در کنار انگلیسی‌ها قرار داشت.

هندوها پس از شکست قیام، جنبش‌هایی را برای احیای آیین هندو و بازسازی خود، راه اندازی نمودند. غلام احمد نیز در این زمان احساس کرد، او همان کسی است که می‌تواند به درد و رنج مسلمانان از سلطه‌ی بیگانگان پایان دهد. نخستین اقدامات او مناظره و مبارزه با تبلیغات مسیحیان و هندوها بود که برای اثبات فضل اسلام و اعجاز قرآن و نبوت پیامبر (ص) کتاب براهین احمدیه را به سال (۱۸۸۴م) در رد مسیحیت و آیین‌های هندو و برهما، نگاشت.

همچنین وی در سال (۱۸۸۶م) کتاب دیگری به نام «سُرمه چشم آریه» را نوشت که این کتاب محصول مناظره او با یک «آریه سماجی»^۲ بود. این مناظره‌ها و کتاب‌ها باعث شهرت او گردید. از این زمان به بعد چرخش افکار غلام احمد و اختلاف او با مسلمانان آغاز می‌شود. وی در سال (۱۸۸۹م) ادعا کرد که مجدّد قرن چهاردهم است و به او الهام شده که از طرف خدا مأمور گردیده تا از مردم بیعت بگیرد. سپس در سال

۱. قادیان روستایی از روستاهای شهر گرداس پور پنجاب است که اکنون بعد از تقسیم شبه قاره هند، جزو توابع هند به شمار می‌رود.

۲. واژه «آریه‌سماج» در زبان سانسکریت به معنی انجمن آریا است. انجمن فوق یکی از جنبش‌های اصلاحات در هند است که در تاریخ

۱۰ آوریل ۱۸۷۵ از سوی دایاننده سرسوتی بنا نهاده شد. ویک پدیا (دانشنامه آزاد) ذیل واژه آریه.

(۱۸۹۱م) کتابی درباره عیسی به نام «نزول المسیح» نوشت و در کتاب مذکور ادعا کرد که او، مثیل (تجلی) المسیح است. گفتنی است وی در عین حال که خود را مسیح موعود می‌خواند، ادعا کرد که مهدی موعود مسلمانان نیز است و مردم را به سوی خود فرا می‌خواند.

به هر روی، غلام احمد قادیانی در این دوره، نزدیک به ۷۵ عنوان اثر در تأیید ادعاهای خود نوشت و سرانجام به مسیح و مهدی موعود بودن، بسنده نکرد و در سال (۱۹۰۲م) اعلام کرد که خداوند او را نبی مرسل قرار داده است، نه نبی حامل شریعت؛ یعنی او، نبی غیر حامل الشریعه است. همچنین در سال (۱۹۰۴م)، مدعی شد که وی، اوتار^۱ کریشنا^۲ است. در نهایت به سال (۱۹۰۸م) در ۶۹ سالگی چشم از جهان فرو بست (السامرائی، بی تا، ۱۵).

بدین ترتیب بعد از میرزا غلام احمد، بشیر محمود احمد تا سال (۱۹۶۵م)، یعنی ۵۱ سال رهبری جنبش اصلی قادیانیه را بر عهده داشت و سرانجام در ۷۶ سالگی از دنیا رفت. بعد از وی، فرزندش میرزا نصیر احمد جانشین او شد و رهبری قادیانیه را تا سال ۱۹۸۲م، بر عهده داشت. بعد از او، میرزا طاهر احمد - پسر عموی میرزا نصیر احمد به

۱. واژه «اوتار» در زبان سانسکریت به معنی حلول ربّ النوع است و در آیین هندو عبارت است از تجسد مادی ناشی از هبوط ایزدان هندو از آسمان به زمین. در تعریف عمومی نیز واژه «اوتار» به معنای حلول خداوند در قالب انسانی و تجسم عامل الهی است. ویک پدیا (دانشنامه آزاد) ذیل واژه اوتار.

۲. کریشنا در زبان سانسکریت و آیین هندو به معنی جذاب متعال است. در آیین هندو سه وجه از خداوند معرفی می‌شود و هریک از شاخه‌های هندو یکی از این وجوه را به عنوان وجه اصلی و منشأ دیگران تلقی می‌کند. این سه وجه عبارتند از: ۱. برهمن: وجه بدون فرم خداوند که مانند نور خورشید در همه جا گسترده است. این وجه خداوند بیشتر موضوع اوپانیشادها است؛ ۲. پارام آتما: وجهی از خداوند که در دل تمامی اجزاء، پدیده‌ها، و در قلب هر انسان حضور دارد؛ ۳. بهاگوان: وجه دارای فرم که در قلمرو روحانی خود، خارج از جهان مادی سکونت دارد. کریشنا همان وجه سوم یا بهاگوان است. ویک پدیا (دانشنامه آزاد) ذیل واژه کریشنا.

رهبری قادیانه انتخاب شد و تاکنون رهبری این فرقه را بر عهده دارد.

نام دیگر قادیانیه، فرقه احمدیه است که در کتاب‌های انگلیسی به این نام شهرت دارد و خود را در جهان با این نام معرفی می‌کند. درباره اهمیت و ضرورت معرفی این فرقه به طور کلی می‌توان گفت: فرقه نامبرده هیئت‌های تبلیغی قوی دارد که مرکز آن، اکنون در انگلستان است. برپایه اعلام بزرگان قادیانیه، جریان فوق، حدود ۱۰ میلیون نفر پیرو دارد که حدود ۴ میلیون آنها در پاکستان زندگی می‌کنند، مابقی در سایر کشورها. بیشتر فعالیت قادیانی‌ها متمرکز در کشورهای آفریقایی است. بنابراین، می‌تواند که باورها و عقاید این فرقه بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گیرد؛ زیرا چنان‌که گذشت، قادیانیه فرقه‌ی منسوب به اسلام است و بزرگان آن بر این مسئله تکیه و تأکید دارند؛ ولی اختلاف این فرقه با اسلام اساسی است و بسیاری از مسلمانان قادیانیه را جزو فرق اسلامی نمی‌دانند. یکی از موارد اختلافی بین قادیانیه و مسلمانان، آموزه‌ی جهاد است؛ زیرا بنیان‌گذار این فرقه برخلاف عقیده‌ی مسلمانان به وضوح از نسخ یا الغای جهاد بالسیف سخن گفته است. اینک برای روشن شدن بحث، نخست مفهوم جهاد، سپس جهاد با شمشیر، شرایط جهاد و الغای آن را از نگاه رهبر قادیانیه بررسی خواهیم کرد.

۱- مفهوم جهاد

به باور غلام احمد، مؤسس قادیانیه، جوهر و حقیقت اسلام چیزی جز بندگی کامل خداوند و خدمت به خلق الله نیست. اسلام متشکل از اعتقاد و عمل است. در برخی موارد این دو از یک‌دیگر تفکیک‌ناپذیر و غیر انفصال است بنابراین، مسلمانان برای تحقق این هدف و غایت، بایستی تلاش کنند؛ زیرا تحقق آن، جز از راه پیروی از اوامر الاهی و خدمت به خلق خدا، میسر نیست. به همین جهت از آن به جهاد اکبر یاد شده است.

طبق گفته‌ی غلام احمد، مقوله جهاد در اسلام و قرآن امری پذیرفته شده است و کوچک‌ترین شبهه‌ای در این زمینه وجود ندارد؛ اما چیزی که به مرور زمان بر مسلمانان مشتبه گردیده، این است که تلقی بسیاری از آنان از مفهوم جهاد، تنها به معنای کشتن

دیگران است. در صورتی که در روایات از جهاد با نفس به «جهاد اکبر» و از دعوت به قرآن به «جهاد کبیر» و از قتال بالسیف به «جهاد اصغر» یاد شده است.

به هر روی، بنیان‌گذار قادیانیه بدون اشاره به آیه‌ای از قرآن برای اثبات مدعای خود- منع جهاد بالسیف- این گونه می‌نویسد: قرآن به صراحت امر کرده است که شمشیرهای خود را برای نشر دین بالا نبرید، ویژگی‌ها و تمایزات خوب و نیکوی خود را مقدم بدارید؛ یعنی مردم را از طریق معرفی الگوهای خوب به اسلام دعوت و جذب کنید. گمان نبرید که دین اسلام در ابتدای امر، مسلمانان را به شمشیر امر کرده است، بلکه بالارفتن شمشیرها برای دفاع از تهاجم دشمنان بوده است و برای اکراه و اجبار مردم به دین اسلام، هرگز شمشیری بالا نرفته است (قادیانی، ۱۸۹۹م، ۱۵، ۱۲۰).

همچنین وی بر این باور است که مسلمانان زمانی مأمور به جهاد شدند که ظلم، تعدی و خشونت دشمنان اسلام بر ضد آنان به اوج خود رسیده بود و آنان جز مقابله در برابر آنها راهی نداشتند: «مؤمنان زمانی مأمور به جهاد شدند که مورد ظلم، تعدی و کشتار وحشیانه مشرکان قرار گرفتند و مثل بز و گوسفند سرهای‌شان بریده می‌شدند. از این روی، برای برادران و فرزندان کشته‌شدگان امر به جهاد داده شد تا قاتلان را بکشند؛ اما این امر هرگز به معنای اکراه در دین و جبر بر بندگان به حساب نمی‌آید.

از سویی، هیچ پیامبری سفاک مبعوث نشده که جنگ را بر دیگران تحمیل کرده باشد، مگر زمانی که از سوی دشمنان خود مورد اذیت و آزار و کشتار واقع شده است. از باب نمونه: رسول خدا پیش از هجرت به مدینه به مدت ۱۳ سال از سوی مشرکان قریش به شدت مورد اذیت و آزار قرار گرفت. با این حال، علیه آنان شمشیر نکشید. این رفتار پیامبر (ص) بدین معنی است که هیچ‌گاه اجبار کردن دیگران به دین اسلام مورد پذیرش آن حضرت و اصحابش نبوده است. (قادیانی، ۱۹۹۳م، ۱۴، ۴۵۴).

۲- جهاد با شمشیر

همانگونه که اشاره شد، از نظر رهبر قادیانیه جهاد انواعی دارد و جهاد با شمشیر یکی از آنهاست که در مرتبه پائین‌تر از آنها قرار دارد. بنابراین، این نوع جهاد زمانی بر

مسلمین واجب است که شرایط آن فراهم باشد. شرایطی که وی برای جهاد با شمشیر بر شمرده، به شرح زیر است:

- ۱- دشمنان اسلام، مسلمانان را به ناحق به قتل برسانند؛
- ۲- مؤمنان را از دیار و سرزمین شان اخراج کنند؛
- ۳- مؤمنان را به صورت اجبار و اکراه به دین خود فرا بخوانند؛
- ۴- در پی خاموشی نور اسلام باشند. به عبارت دیگر سعی کنند نور اسلام را از تابش بیندازند؛
- ۵- مانع از ورود مردم به دین اسلام شوند.

به عقیده رهبر قادیانیه مسلمانان بایستی زمان شناس باشند و بنا به مقتضیات زمان حرکت کنند، چنان که در صدر اسلام شرایط به گونه‌ای بوده است که مسلمانان در برابر تهاجم دشمنان اسلام، راهی جز مقابله به مثل نداشتند. براین اساس، ناگزیر بودند در برابر دشمنان اسلام از شمشیر استفاده کنند. در صورتی که عصر ما با صدر اسلام از هر لحاظ بسیار متفاوت است و اکنون جنگ، جنگ قلم است، نه جنگ با شمشیر و اسلحه. همچنین وی بر این باور است که در زمانه‌ی ما، بیشترین طعن و هجمه‌ای که از سوی دشمنان بر اسلام و مسلمانان وارد می‌شود، از راه استدلال و قلم است. بنابراین، در عصر حاضر، اراده و خواست خداوند بر این قرار گرفته که به جای شمشیر با سلاحی از جنس قلم به مصاف دشمنان رفته، با آنان مبارزه کنیم. بنابراین، اکنون زمانه، زمانه‌ی جهاد با شمشیر و نیز عصری بریدن گردن‌ها، یا به زنجیر کشیدن گمراهان نیست؛ زیرا در عصر کنونی، نخست این که کافران غالب‌اند، دیگر این که اکنون کسی مسلمانان را از برپایی نماز و روزه و نماز جمعه و جماعات و... باز نمی‌دارد.

به هر روی، رهبر قادیانیه براین باور است که در عصر حاضر مسلمانان از هند تا شام، آفریقا و... در اقلیت‌اند و در موقعیتی نیستند که به جهاد بالسیف، رو آورند. در صورتی که کافران از انواع اسلحه و تجهیزات نظامی پیشرفته برخوردارند. بنابراین آنچه از ظاهر اوضاع به دست می‌آید، زمانه‌ای که مسلمانان در آن می‌زیند، زمانه‌ی دعا و نیایش است که به درگاه ذات حق، رو آورند، نه وقت جنگهای خونین و کشتن دشمنان اسلام. از

این رو، آن عده از مسلمانان که زمان‌شناس نیستند و درک درستی از اکنونیت مسلمانان ندارند، مصداق واقعی این آیه قرآن‌اند: «... و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه...» (بقره: ۱۹۵). در حالی که دعا و نیایش حربه‌ای است که از آسمان برای فتح چنین مواردی نازل شده است و ما جز از راه همین حربه، به پیروزی نخواهیم رسید. از طرفی، پیامبران الهی از اولین تا آخرین شان، همین حربه (دعا و نیایش) را توصیه کرده‌اند. چنان‌که مسیح موعود از راه دعا و نیایش و تضرع، فتح را نصیب شد، نه از راه ملاحمت و کشتار انسان‌ها (قادیانی، ۱۹۹۳م، ۲۰، ۸۱).

به‌طور اختصار از سخنان رهبر قادیانیه، این‌گونه به‌دست می‌آید که وی از اصل، مخالف جهاد نیست یا جهاد را به صورت کلی نفی و انکار نمی‌کند؛ ولی برای آن شروط و مقدماتی قائل است که با احراز آنها جهاد برای مسلمانان واجب می‌گردد. با این حال، مخالفان قادیانیه نسخ جهاد بالسیف از سوی میرزا غلام احمد را دسیسه و خواست دولت انگلیس می‌دانند که وی برای مصالح آن، جهاد را امری منسوخ اعلام کرده است؛ اما بزرگان قادیانیه از جمله مؤلف کتاب «زهق باطل» ضمن دفاع از دیدگاه بنیان‌گذار قادیانیه به مخالفان این‌گونه پاسخ داده است: به نشریات پاکستان باید گفت که بر مبنای گفته‌ی شما چنانچه مسیح و مهدی موعود برای تحقق مصالح دولت انگلیس جهاد را نسخ کرده باشد، این مصالح چه بوده است؟ و نشان دهید که آن مصالح چگونه از راه نسخ جهاد محقق می‌شود؟ و در چه زمانی مسیح موعود، نسخ جهاد را اعلان کرده است و چه خطرهایی از جانب مسلمانان متوجه انگلیسی‌ها بوده یا پیامد سیاسی نسخ جهاد چه بوده است؟

به هر روی از منظر بزرگان قادیانیه اعلان نسخ جهاد بالسیف از سوی میرزا غلام احمد بر اساس مصالح مسلمانان شبهه قاره بوده است، نه برای رضایت و خوشحالی خدمتی به انگلیسی‌ها؛ زیرا ممکن نیست انگلیسی‌ها چیزی را از مسیح موعود (میرزا غلام احمد) بخواهند که باعث رنجش و دشمنی مردم با او، شود. از سویی، مسیح موعود انتظار آن را بکشد که مردم او را تصدیق کرده، از فتوای او که همانا نسخ جهاد

بالسیف است، پیروی کنند. بدون شک چنین امری نه معقولانه به نظر می‌رسد و نه هیچ عقل سلیمی آن را می‌پذیرد.

پرسش دیگر این که در کشور هندوستان چه خطری انگلیسی‌ها را تهدید می‌کرده که آنها دست به چنین اقدامی زده باشند؟ مسلمانان مگر در هند دارای قدرت و شوکت‌اند که باعث نگرانی انگلیسی‌ها شود؟ در حالی که مسلمانان هند، بدترین و سخت‌ترین شکنجه‌ها و مظالم را از سوی سیک‌ها متحمل می‌شوند؛ زیرا از نظر سیک‌ها کشتن گاو حرام می‌باشد، ولی ریختن خون مسلمانان مباح است. در پنجاب و بسیاری از اماکن و شهرها وضعیت اینگونه است، ولی این حکومت انگلیس است که ضمن حمایت از مسلمانان در بلاد هند، بسیاری از آن‌ها را از دم تیغ کشتار و مظالم سیک‌ها نجات داده است. همچنین مسلمانان در سایه حکومت انگلیسی‌ها در امنیت کامل به سر می‌برند (میرزا، ۲۰۰۵م، ۹۰). برای این اساس، حکومت انگلیس چرا از مسلمانانی که از حکومت آنها راضی‌اند، بترسد یا وحشت به خود راه دهد؟

پرسش مهم‌تر اینکه سیدنا مهدی و مسیح موعود (میرزا غلام احمد) کدام نوع از جهاد را حرام و منسوخ اعلان کرده است؟ جهاد انواعی دارد و جهاد بالسیف یکی از آنها است. باید دقت کرد جهادی را که مسیح موعود منسوخ اعلان کرده است آیا تفکر جهاد حقیقی اسلام است یا جهادی که برای عوام الناس مشتبه شده است؟ بهتر است برای توضیح و تبیین مسئله مراجعه کنیم به سخنان وی:

«قرآن هیچ کس را امری به حرب (جنگ) نمی‌کند، مگر در برابر کسانی که مانع از ایمان آوردن بندگان خدا به اسلام شوند. موارد دیگری که در سطور پیشین تحت عنوان شرایط «جهاد بالسیف» نام برده شد. در این صورت جهاد بر مؤمنان واجب است و می‌باید در برابر دشمنان اسلام با شمشیر بایستند؛ با وجود این، هرگونه تلقی نادرست از جهاد برای اسلام و مسلمانان عواقبی ناگوار در پی خواهد داشت. (قادیانی، ۲۰۰۷م، ۸، ۶۲).

همچنین بزرگان قادیانیه بر این باورند که غلام احمد موقعی این فتوا را صادر کرده است که از یک سو، قساوسه (کشیش‌ها) به ترویج مسیحیت مشغول بودند و به

انگلیسی‌ها می‌گفتند: در اسلام آموزه‌ای تحت عنوان «جهاد بالسیف» وجود دارد که برای دولت انگلیس بسیار خطرآفرین است. لذا آنها می‌خواستند از این طریق انگلیسی‌ها را بر ضد مسلمانان تحریک کنند تا زمینه برای فعالیت ترویجی-تبشیری شان بیشتر مساعد شود. از سوی دیگر، عده‌ای از عالم‌نماهای جاهل و خطیبان نادان و بی‌سواد را اجیر کرده بودند که هرروز در مساجد و منابر از قیام و جهاد علیه انگلیسی‌ها سخن می‌گفتند. در صورتی که مسلمانان در بدترین و داشوارترین شرایط قرار داشتند. براین اساس، مسیح موعود ناگزیر بود بنا به اقتضای وضعیت بد و نابسامان جامعه مسلمان آن روز هند، از باب مصالح کلی این گونه فتوا دهد: جهاد دارای شرایط و لوازم است و نباید از آن در هر زمان به صورت مطلق استفاده کرد. به عنوان نمونه بزرگان و اتقیا در مکه به امر الاهی فرمودند: «شر را با شر پاسخ ندهید» و با این گفتار و رفتار خود از خواست الاهی پیروی کردند. هرچند این رویکرد، مصایب و مشکلات بسیاری برای آنها در پی داشت؛ از جمله تکه تکه شدن بستگان، هم‌نوعان و هم‌مذهبان شان که به فجع‌ترین شکل ممکن از سوی مشرکان قریش به قتل رسیدند؛ اما مع‌الاسف، عالم‌نماهای معاصر، چشم‌ها و گوش‌های خود را به روی امور واقع بسته‌اند.

از سویی، این جماعت عالم‌نما، اندکی در باره‌ی رفق، مروت و مدارا نسبت به هم‌نوعان خود مطالعه نکرده‌اند؟ آیا خداوند ما را مأمور کرده تا غیرمسلمانان بدون کدام سببی یا ارتکاب جرمی با چاقو تکه تکه‌شان کنیم یا حیات او را با خنجر و شمشیر بگیریم؟ در صورتی که نه ما آنها را می‌شناسیم و نه آنها ما را. آیا معقول است دینی از طرف خدا آمده باشد؛ اما مجاز بداند یا دستور بدهد که بندگان خدا را بدون اینکه تبشیری نسبت به آنان صورت بگیرد، یا جرمی را مرتکب شده باشند، بکشد و این امر موجب، ورود شما به بهشت می‌شود؛ در حالی که با فردی رو به رو می‌شویم که در گذشته هیچ‌گونه دشمنی‌ای، بین ما نبوده و یک‌دیگر را نمی‌شناسیم. او برای خرید مایحتاج خانوادگی خود در یکی از محله‌های ما آمده یا کار دیگری داشته است، بدون دلیل او را اهل آتش و دوزخ بپنداریم، زن و فرزندان او را یتیم و خانه‌اش را بدل به ماتم‌سرا

کنیم. در کدام آیه‌ی قرآن یا در کدام روایت نبوی این گونه عمل کرد بیان یا مورد ستایش واقع شده است؟ با این حال کدام یک از مشایخ قدرت، پاسخ‌گوی این موارد است؟ واقع این است که این جماعت جاهل فقط اسم جهاد را شنیده و قرآن را وسیله‌ای برای تحقق اغراض نفسانی خود قرار داده‌اند (قادیانی، ۲۰۱۳م، ۱۳).

۳- فقدان شرایط جهاد با شمشیر

بزرگان قادیانیه بر این باورند جهادی که مسیح و مهدی موعود آن را ملغا و منسوخ اعلان کرده است، جهاد واقعی نبوده، بلکه برداشت‌های غلط و غیرواقعی از مفهوم جهاد است. بنابراین اغلب کسانی که امروزه مسأله جهاد به معنای قتال را بیش از اندازه بزرگنمایی کرده‌اند، این رفتارشان برخاسته از هواهای نفسانی است. در صورتی که آنچه مسیح موعود در باره‌ی حکومت انگلیس اظهار کرده، بسیاری از این علما نیز بر آن فتوا داده‌اند. از سویی، مسیح موعود (قادیانی) در مورد فقدان شرایط جهاد این گونه بیان کرده است: برداشته شدن این سنت (جهاد بالسیف) به نبود اسباب آن در عصر حاضر، برمی‌گردد. ما مأموریم با کافران دشمنی کنیم، آن گونه که آنها با ما دشمنی می‌ورزند. ما شمشیرهای تیزمان را بالا نبریم، تازمانی که با شمشیرهای تیز به قتل نرسیده‌ایم (قادیانی، ۱۹۹۳م، ۱۴، ۴۵۴). جهاد اکنون رنگ روحانی به خود گرفته است. جهاد در زمانه‌ی ما، یعنی بذل مساعی برای اعتلای کلمه اسلام (میرزا، ۲۰۰۵م، ۹۹).

همچنین بزرگان قادیانیه بر این باورند که مسیح موعود (غلام احمد قادیانی) جز تصور خطا از جهاد را، که مشایخ از روی بدعت اختراع کرده بودند، منسوخ اعلان نکرده است. بنابراین، تا وقتی که شرایط جهاد بالسیف، موجود نباشد، بی‌تردید این نوع جهاد منسوخ و ممنوع است (میرزا، ۲۰۰۵م، ۹۸).

۴- اعتلای کلمه اسلام

به نظر رهبر قادیانیه، جهاد انواعی دارد و جهاد با شمشیر یکی از آنهاست. از این میان جهادی که همواره جریان دارد و هرگز نسخ‌پذیر نیست و از راه‌های مختلف می‌توان به اقامه‌ی آن پرداخت، تلاش در راه اعتلای کلمه اسلام، رد تهمت‌های معارضان، نشر

محاسن دین و تبیین صدق پیامبر اسلام به جهانیان است (میرزا، ۲۰۰۵م، ۱۰۰).
غلام احمد خان در جای دیگر در باره جهاد بالسیف این گونه بیان کرده است: جهاد با شمشیر اکنون نسخ شده است. این طرح و سخن من نیست، بلکه اراده و مشیت خداوند است و آنگاه که مسیح موعود بیاید، پایان جنگ‌های دینی و مذهبی است (قادیانی، ۲۰۱۳م، ۱۵). از منظر بزرگانی قادیانیه، تفکر و برداشت کسانی که بر اقامه‌ی جهاد با شمشیر تأکید می‌ورزند، آشکارا معارض قرآن است. این سخن در واقع سخن رسول خداست که سیدنا غلام احمد خان در توضیح آن در کتاب «تحفه قیصریه» این گونه بیان کرده است: اصل دومی که من به خاطر آن مبعوث شده‌ام، اصلاح این نظر و برداشت نادرست از جهاد (جهاد بالسیف) است که بین مسلمانان جاهل شهرت یافته است و این امر را خداوند به من تفهیم کرده است. راه‌هایی که امروزه به عنوان جهاد در بین مردم معتبر شمرده می‌شود، همه معارض قرآن‌اند. شکی نیست که در قرآن جهاد آمده و بدان امر شده است؛ اما این موارد ناظر به جنگ‌های سیدنا موسی و جنگ‌های یوشع بن نون است؛ زیرا این جنگها غالبا در جاهایی رخ داده است که دشمنان، با شمشیرهای شان خون‌هایی بسیاری از مسلمانان را به ناحق ریختند، اما سرانجام خودشان با شمشیر به هلاکت رسیدند (النجار، ۲۰۰۵م، ۶۸؛ المدنی، ۲۰۱۰م، ۳۸).

۵- دارالاسلام نامیدن هند.

مؤلف کتاب زهق باطل برای دفاع از دیدگاه غلام احمد (بنیان‌گذار قادیانیه) در مورد نسخ جهاد و رد اتهام مخالفان قادیانیه که این جریان را انگلیسی می‌خوانند، فهرست بلندی از شخصیت‌های دینی ارائه می‌کند که علیه انجمن احمدیه از هیچ‌گونه تهمت و افتزایی ابا ندارند و این جماعت در واقع از حامیان و مروجان جهاد در بین مردم هند، به شمار می‌روند؛ اما از باب ریاکاری و خوش خدمتی به انگلیسی‌ها با دارالاسلام خواندن بلاد هند، در برابر هر نوع شورش و انقلاب علیه انگلیسی‌ها نه تنها در هند بلکه در ممالک دیگر، موضع می‌گیرند و به نکوهش و انتقاد از انقلاب‌گران می‌پردازند. برخی افراد نامبرده عبارتند از:

الف) شیخ محمد حسین بطلوی که از سرسخت ترین مخالفان سیدنا مسیح به حساب می‌آید و بدترین و شدیدترین طعن‌ها را نسبت به او، روا داشته است. با این حال زمانی که مسلمانان هند علیه دولت انگلیس قیام کردند (۱۸۵۷م)، وی این‌گونه از انگلیسی‌ها دفاع کرد: آن عده از مسلمانان که در انقلاب (۱۸۵۷م)، شرکت کرده‌اند، گناه‌کارند. آنان بر حسب حکم قرآن، مفسد و اهل بغی و فاسق به شمار می‌روند. محاربه با این حکومت یا هر نوع مساعدت و همکاری با انقلاب‌گران، هرچند آنان مسلمان باشند، حرام و خیانت شنیع به حساب می‌آید. وی فراتر از هند در سایر کشورها نیز هرگونه انقلاب و شورش علیه انگلیسی‌ها را جایز نمی‌دانست (میرزا، ۲۰۰۵م، ۱۰۱).

بطلوی در جای دیگر، با دارالاسلام خواندن بلاد هند، هر نوع شورش و انقلاب علیه حکومت تحت سیطره دولت انگلیس و حتی نصرانی را جایز ندانست. وی علت عدم شورش و انقلاب علیه حکومت انگلیسی - هندی را نبود امام یا موجود نبودن شرایط و اوصاف امامت، ذکر کرده است (بطلوی، بی‌تا، ۱۶).

ب) سر سید احمدخان از دیگر شخصیت‌های با نفوذ و از عالمان معروف هند است که انقلاب‌گران (۱۸۵۷م) را خیانت‌کاران بزرگ و کسانی خواند که هیچ علاقه‌ای به اسلام ندارند (سر، بی‌تا، ۱۰۴).

ج) سید احمد رضا خان بریلوی از رهبران فرقه بریلویه نیز در مورد قیام مردم هند چنین اظهار داشت: هند دارالاسلام است و صحیح نیست که بدان دار الحرب اطلاق شود. هم‌چنین موقعی که از وی سوال شد: شما راه طولانی را برای محاربه و جنگ با سیک‌ها طی کردید و اکنون چرا با انگلیسی‌های داخل هند نمی‌جنگید؟ در پاسخ گفت: انگلیسی‌ها کاری به کار ما ندارند و ما می‌توانیم آزادانه به نظر و ترویج اسلام پردازیم و به مسائل عبادی‌مان برسیم. پس چرا به ناحق با آنان وارد جنگ شده، انسان‌کشی راه اندازیم (بریلوی، بی‌تا، ۱۲۹).

د) شبلی نعمانی از دیگر عالمان مشهور هند نیز در ظاهر متمایل به شورش و انقلاب علیه حکومت زیر سلطه انگلیس نبود و در جایی این‌گونه اظهار کرده است: پس از دوران نبوی تا به امروز، تمایز مسلمانان یکی اطاعت و دیگری وفاداری به هر حکومتی

است که در سایه‌ی آن زندگی می‌کنند. این سخن تنها یک شعار نیست بلکه برگرفته از تعالیم اسلام است که در قرآن و حدیث نبوی و کتاب‌های فقهی آمده است (شبلی، بی‌تا، ۱، ۱۷۱).

مؤلف کتاب زهق باطل، از جمله شیخ جمال الدین، شیخ عمر حنفی، شیخ احمد ذهبی شافعی و شیخ حسن بن ابراهیم مالکی را که سه شخصیت اخیر از مفتیان مکه‌اند در زمره‌ی کسانی آورده است که معتقد به دارالاسلام بودن بلاد هند- زمان سلطه انگلیسی‌ها- بوده‌اند. به اعتقاد وی تمام آنانی که به نحوی بلاد هند را دارالاسلام اعلان کردند، با این سخن و فتوای خود، می‌خواستند جلوی هرگونه شورش و انقلاب علیه دولت زیر سلطه انگلیس را بگیرند. در صورتی که سیدنا مسیح نه تنها چیزی بیشتر نگفت از آنچه علمای مذکور علیه انقلاب مردمی هند گفتند، بلکه بر خلاف آنها بلاد هند را دار الکفر خوانده است. اما در مورد این انتقاد مخالفان و دشمنان از سیدنا مسیح که چرا وی ملکه انگلیس را ظل الله خطاب کرده است باید گفت: درست است که وی ملکه را ظل الله گفته است؛ ولی در عین حال، با مرده‌خواندن آیین مسیحیت، ملکه انگلیس را به دین اسلام دعوت کرد که این امر، بزرگترین جهاد در راه اسلام به حساب می‌آید. (قادیانی، ۲۰۱۴م، ۲۲۱).

۶- دارالحرب خواندن هند

همان‌گونه که اشاره شد، بزرگان قادیانیه بر این عقیده‌اند که در حین سلطه‌ی انگلیسی‌ها بر هند، بسیاری از عالمان هندوستان و کشورهای اسلامی، این سرزمین را دارالاسلام نامیدند. دارالاسلام به این معنا که هر نوع شورش و انقلاب علیه دولت زیر سلطه انگلیس جایز نیست؛ ولی سیدنا مسیح (غلام احمد) بر خلاف آنها هند را دارالحرب اعلام کرد. دلیل وی بر دارالحرب شمردن هند این بوده است که قساوسه و گروه‌های تبشیری مسیحیت در هند فعالیت داشتند و کارهای تبشیری خود را به شدت پیش می‌بردند. بنابراین، از نظر سیدنا مسیح، علمای اسلام نباید عاقل و باطل در کنج مساجد و منابر به سر می‌بردند، بل همانند گروه‌های تبشیری برای تبلیغ از اسلام می‌باید

در بین مردم به محله‌ها می‌رفتند. البته با همان سلاحی که قساوسه به آن مجهز بودند، یعنی قلم. از این رو، خداوند به این عبد ضعیف «سلطان قلم» لقب داده، ذوالفقار علی نامیده است. علت این امر، آن است که اکنون زمان محاربه و مقاتله نیست، بل عصر قلم است و باید با سلاح قلم به جنگ دشمنان اسلام رفت (قادیانی، بی‌تا، ۱، ۲۳۲).

۷- جهاد از منظر اسلام

چنان که ملاحظه شد، غلام احمد قادیانی جهاد را از اساس انکار و رد نمی‌کند؛ بل تلقی او از جهاد بسیار شبیه برداشت غرب‌زده‌ها از جهاد است که آن را به جهاد دفاعی تقلیل می‌دهند. بنابراین، وجه مشترک دو گروه مذکور در این است که سعی می‌کنند تمام غزوات پیغمبر اکرم (ص) و دیگر جنگ‌های زمان آن حضرت را با این رویکرد توجیه و تحلیل کنند. با این حال، بهتر است برای دوری از استنباط‌های نادرست، به قرآن تنها مرجعی که مورد پذیرش همگان است، مراجعه و اهداف جهاد را از منظر قرآن بررسی کنیم که جهاد در اسلام برای چه اهدافی مجاز شمرده شده است.

۷-۱- جهاد ابتدایی و آزادی‌بخش

همانگونه که اشاره شد، عده‌ای به دلیل برداشت نادرست از آموزه جهاد در اسلام، یا از آن به مثابه نقطه‌ی ضعف علیه اسلام استفاده می‌کنند یا آن را فقط به جهاد دفاعی تقلیل می‌دهند. در هر صورت طبق آیات قرآن، جهاد انواعی دارد و یکی از آنها جهاد برای رهایی از قید اسارت بندگی است؛ زیرا خداوند برای سعادت، آزادی، تکامل، خوشبختی و آسایش انسانها، پیامبران را موظف ساخته است تا دستورهای فوق را به آنها برسانند. از آن طرف مردم در همه اجتماعات حق دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند، و در پذیرش دعوت آنها آزادانه بیندیشند. بنابراین، چنانچه عده‌ای بخواهند آنها را از حق مشروع‌شان محروم ساخته، اجازه ندهند که صدای منادیان راه خدا به گوش آنها برسد و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد شوند، جماعت فوق، مجاز هستند برای فراهم‌سازی مقدمات آزادی از هر وسیله‌ای استفاده کنند. لذا اینجا است که ضرورت «جهاد ابتدایی» در اسلام و سایر ادیان آسمانی روشن می‌گردد. هم‌چنین اگر

عده‌ای مؤمنان را تحت فشار قرار دهند که به آیین سابق خود باز گردند، مسلمانان مجاز هستند برای رفع این فشار، با آنها مقابله کنند (مطهری، ۱۳۶۴ ش، ۴۸)

۲-۷- جهاد دفاعی

این پرسش مطرح است: کسی که از سوی فرد یا افرادی مورد حمله قرار می‌گیرد، مجاز به دفاع از خویش است؟ همچنین ملت و دولتی که به ملت دیگر هجوم ببرد، آیا ملت مورد تهاجم دست روی دست گذاشته نابودی کشور خود را نظاره‌گر باشند؟ در این باره قوانین اعم از آسمانی و عرفی به شخص یا جمعیتی که مورد تهاجم واقع شده حق می‌دهند که برای دفاع از موجودیت خود در برابر دشمن متجاوز ایستادگی کنند. به هر روی به این نوع جهاد، جهاد دفاعی اطلاق می‌شود که بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام مثل جنگ‌های احزاب و أحد و موته و تبوک و حنین و بعضی دیگر از غزوات اسلامی در این بخش از جهاد (جهاد دفاعی) جای می‌گیرند. (مطهری، ۱۳۶۴، ۲۵).

بدین ترتیب مسلمانان وظیفه دارند با فرد یا گروهی بجنگند و مقابله نمایند که جان و مال و ناموس آنها را مورد هجوم و تجاوز قرار داده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱۳۵) و این امر مورد تأیید عقلای عالم است. از طرفی این نوع جهاد شرایطی خاص ندارد و بر همه‌ی مسلمانان اعم از زن و مرد، پیر و جوان، کوچک و بزرگ واجب است تا از هر وسیله و از هر راهی به دفاع از جان و مال خود بپردازند. و در این جهاد حضور امام و اذن او یا نائب خاص او شرط نیست. این نوع جهاد اغلب در برابر کفار مهاجم است، اعم از مشرک و غیر مسلمان و نیز اهل بغی؛ یعنی افراد مسلمانی که علیه امام عادل به صورت مسلحانه قیام کرده، موجب رعب و وحشت بین جامعه اسلامی شده باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱۲۶؛ شکوری، ۱۳۷۷، ۳۷۵)

۳-۷- جهاد به حمایت از مظلومان

نوع دیگری از جهاد که در قرآن به آن اشاره شده، جهاد برای حمایت از مظلومان است: وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا. ترجمه: «چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید، همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر («مکه») که اهلش ستمگرند بیرون ببر، و برای ما از سوی خود، ولیی قرار ده، و برای ما از سوی خود یار و یابوری معین فرما» (نساء: ۷۵).

برپایه این رهنمود وحی، قرآن از مسلمانان می‌خواهد: هم در راه خدا و هم در راه آزادی مستضعفان مظلوم، جهاد کنند، و اصولاً این دو، از هم جدا نیستند. بنابراین با توجه به این که در آیه فوق، قید و شرطی نیامده که این مظلومان و مستضعفان در کدام نقطه‌ی جهان باشند، دور یا نزدیک باید از آنها دفاع کرد. (مطهری، ۱۳۶۴، ۳۲-۳۵)

۷-۴- جهاد برای محو شرک و بت پرستی

اسلام به آزادی عقیده احترام قائل است و هیچ‌کس را به صورت اجبار به سوی این آیین فرا نمی‌خواند؛ به همین دلیل، به ملت‌های که دارای کتاب آسمانی هستند، فرصت کافی می‌دهد که با مطالعه و تفکر، آیین اسلام را بپذیرند و اگر نپذیرفتند، با آنها به صورت یک «اقلیت هم‌پیمان» (اهل ذمه) معامله می‌کند و با شرایط خاصی که نه پیچیده است و نه مشکل با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز را توصیه می‌کند؛ اما نسبت به شرک و بت پرستی، رویکرد سختگیرانه دارد؛ زیرا شرک و بت پرستی، نه دین است، نه آیین، بلکه یک نوع خرافه و انحراف و حماقت و در واقع یک نوع بیماری فکری و اخلاقی است که باید از هر طریق ممکن به خشکاندن ریشه‌های آن تلاش کرد؛ زیرا آزادی و احترام به اندیشه‌ی دیگران در جایی درست است که اندیشه و عقیده‌ی مذکور دارای خاستگاه درست باشد؛ در حالی که انحراف، خرافه، گمراهی مسائلی نیستند که به آن حرمت نهاد و از کنار آن گذشت. به همین دلیل اسلام دستور می‌دهد: بت پرستی از هر راه ممکن حتی از راه جنگ بایستی از جامعه بشریت محو شود. بنابراین، اسلام جهاد را با اصول صحیح و منطق خرد هماهنگ ساخته و مفهوم جهاد در اسلام، هرگز به معنای سلطه جویی، کشورگشایی، تحمیل عقیده، استعمار و استثمار یا قتل و کشتار پیروان سایر ادیان و مذاهب نیست؛ اما دشمنان اسلام سعی می‌کنند با تحریف حقایق و تعبیرهای

نادرست از آموزه‌ی جهاد، اسلام را متهم به خشونت کرده، چهره‌ی کریه، خشن و مخدوش از آن برای جهانیان به نمایش بگذارند و از این طریق می‌خواهند جلو پیشرفت آن را بگیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲، ۳۷).

نتیجه

با نگاه کلی به نوشتار فوق، باید گفت که بزرگان قادیانیه همواره تلاش کرده‌اند تا فرقه‌ی نامبرده را منسوب به اسلام و از فرقه‌های اسلامی معرفی کنند، ولی جریان نامبرده به دلیل مخالفت غلام احمد قادیانی با سایر مسلمانان در مورد خاتمیت پیامبر، جزو فرق اسلامی محسوب نمی‌شود. مقوله دیگری که غلام احمد در آن با سایر مسلمانان مخالفت نموده، مفهوم جهاد است. به باور وی، جهاد بالسیف اکنون دیگر کارایی ندارد و امروزه جنگ بیشتر در عرصه‌ی مطبوعات جریان دارد، لذا مسلمانان باید مجهز به ابزار قلم باشند؛ زیرا در عصر که مسلمانان در آن می‌زیند با صدر اسلام از هر جهت متفاوت است و دشمنان اسلام مجهز به ابزار قلم‌اند و از این طریق اصول و مبانی اسلام را به چالش می‌کشند. از طرفی، مسلمانان صدر اسلام اگر به جهاد بالسیف روی آوردند از باب ناگزیری بود؛ چرا که جان و مال آنان از سوی مشرکان و دشمنان اسلام در معرض تهدید و نابودی قرار داشت؛ اما امروزه مسلمانان مسائل عبادی خود؛ مثل نماز، روزه، حج و ... را آزادانه به جا می‌آورند و خطری جان و مال آنان را تهدید نمی‌کند. از سویی، هیچ پیامبری خون‌ریز نبوده است تا مخالفان خود را از دم تیغ بگذرانند و آیین خود را با زور شمشیر بر آنها تحمیل کند. چنان‌که پیامبر اسلام آغازگر هیچ جنگی نبوده است. به هر روی، با تناقضاتی که در سخنان قادیانی درباره جهاد بالسیف وجود دارد، دیدگاه او در این زمینه، مخالف صریح آیات و احادیث نبوی است؛ زیرا براساس دو منبع یاد شده، چنانچه شرایط جهاد موجود باشد، اقامه‌ی آن بر امت مسلمان لازم و ضروری است.

دوفصل نامه‌ی علمی تخصصی پرتو خرد / سال چهاردهم، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۲ — ۱۳۰

فهرست منابع

قرآن کریم

- بریلوی، سید احمد رضا، (بی تا)، *نصرت الابرار*، بی جا؛
- بطالوی، محمد حسین، (بی تا)، *الاقتصاد فی المسایل الجهاد*، (بی جا)؛
- جمعی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه؛
- النجار، عامر، (۲۰۰۵م)، *القادیانیه*، مجد: المؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع، الطبعة الاولى؛
- السامرائی، عبدالله سلوم (بی تا)، *القادیانیه و الاستعمار الانجلیزی*، بغداد: طبع الدار العربیه؛
- سیر، سید احمد خان، (بی تا)، *اسباب بغاوت هند*، (بی جا)؛
- شکوری، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، *فقه سیاسی اسلام*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم؛
- قادیانی، غلام احمد (۱۹۹۳م) *تذکره الشهادتین*، الخزائن روحانیه، ج ۲۰، پاکستان ربوه؛
- _____، (۲۰۱۳م) *الحکومه الانجلیزیه و الجهاد*، مترجم: محمد احمد نعیم، الناشر: الشرکه الاسلامیه المحدوده، الطبعة الاولى؛
- _____، (۲۰۰۷م)، *نور الحق*، الناشر: الشرکه الاسلامیه المحدوده، الطبعة الحدیثه؛
- _____، (۱۸۹۹م)، *ستاره قیصریه*، انتشارات ضیاء الاسلام، قادیان؛
- _____، (۱۹۹۳م)، *حقیقه المهدی*؛ الخزائن روحانیه، ج ۱۴، پاکستان ربوه؛
- _____، (۲۰۱۴م)، *مرآة کمالات الاسلام*، مترجم: عبد المجید عامر، (بی جا)، الطبعة الاولى؛
- _____، (بی تا)، *الملفوظات*، (بی جا)؛
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۳)، *جنگ و جهاد در قرآن*، مرکز انتشارات

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) چاپ دوم؛
المدنی، محمد، (۲۰۱۰م)، *القادیانیة*؛ حركة الدينیه داخل مجتمع الاسلامی،
دمشق: محاكاة، للدراسات و النشر و التوزيع؛
مطهری، مرتضی، (۱۳۶۴)، *جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن*، قم، (جامعه
مدرسین حوزه علمی)، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم؛
میرزا، طاهر احمد، (۲۰۰۵م)، *زهق باطل*، الناشر: الشركة الاسلامیه المحدوده،
الطبعة الاولى؛
نعمانی، شبلی، (بی تا)، *مقالات*، (بی جا).